

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی ساختار زبانی - تصویری قصاید خاقانی برای بیان مفهوم "لا إله إلا الله"

فاطمه فرزانه^۱

^۱ دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

چکیده

خاقانی به عنوان یکی از شاعران متشعر و دیندار ایرانی، همواره از یکتایی خداوند سخن می‌گوید؛ پیرو این باور، عبارت توحیدی "لا إله إلا الله" در میان شعرهای وی به شیوه بارزی قابل مشاهده است. با توجه به این که یکی از ویژگی‌های اساسی شعر وی، توصیف‌های پی‌درپی و متنوع است، توانسته با کمک این عبارت توحیدی نیز تصاویر زیبایی خلق کند که حکایت از ذوق و قریحه‌ی سرشار سراینده دارد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و کتابخانه‌ای نوشته شده است. هدف از نگارش آن، نشان دادن ساختار زبانی و تصویری توصیف‌های مکرر و متنوعی است که خاقانی برای بیان عبارت توحیدی "لا إله إلا الله" به کار برده است و همچنین می‌خواهد نشان بدهد که شاعر، با یاری این تصاویر و توصیفات تا چه اندازه موفق بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاعر برای بیان این مضمون از تشبیه و استعاره بیشترین بهره را برده است. وی در این راستا ترکیب‌های تازه‌ای نیز خلق نموده است

واژگان کلیدی: خاقانی، ساختار زبانی، توصیف و تصویرگری، لاله الاالله.

۱- مقدمه

یکی از مضمون‌هایی که به طور چشمگیری در شعر همه شاعران مسلمان ایرانی و در تمام دوره‌های تاریخ ادبیات ایران، به نحو بارزی قابل مشاهده است، سخن گفتن از یگانگی خداوند است. شاعران ایرانی همواره، شعر خویش را با حمد، سپاس و ستایش خدای بزرگ آغاز می‌کنند؛ اما هر شاعر با توجه به شرایط زمانی، مکانی و توانایی خود، باورداشت‌ها، مقاصد و مفاهیم مورد نظر خویش را به گونه‌ای متفاوت با دیگران، بیان می‌دارد و به خوانندگان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شعر خود، منتقل می‌سازد. «هر هنرمندی به طرز خاص خویش به جهان می‌نگرد و نگاهش متأثر از حالات عاطفی و روحی اوست» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۶۷). خاقانی نیز به عنوان یکی از شاعران بزرگ و صاحب سبک در تاریخ ادبیات ایران، از این قاعده مستثنی نیست. وی توانسته با تکیه بر استعداد و پشتوانه علمی و فرهنگی خود و با کمک ابزارهای بدیعی و بیانی، نظیر: استعاره، تمثیل، تشبیه، تکرار و ... علاوه بر این که باورداشت‌های خود را بیان کند، تصویرهای بدیع و ناب نیز به گنجینه ادبیات فارسی بیفزاید. خاقانی، استاد مسلم توصیف و تصویرگری در شعر است؛ اولین چیزی که در دیوان اشعار وی توجه خواننده را به خود جلب می‌نماید، توصیف‌های مکرر و متنوع است؛ وصف کعبه، مکه، مدینه، وصف آلات موسیقی، توصیف صبح، خورشید، آسمان، آتش و ... از جمله این تصویرها است.

در تعریف وصف اینگونه آمده است: «وصف عبارت است از نقاشی و تابلوسازی؛ اعم از این که شاعر به مجسم نمودن مشهودات و محسوسات طبیعی و جسمانی مانند توصیف مناظر مختلف طبیعت، مجالس بزم، معرکه‌های رزم و شکار یا جمال معشوق پردازد و یا حالات روحانی و تأثرات نفسانی خود را چون عشق و نفرت و مهر و کین و ... تصویر نماید» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۴۴). پدیده‌هایی که خاقانی در شعر خویش به توصیف و تصویرگری آن می‌پردازد، گاه تکراری است؛ اما هر بار که شاعر، اقدام به توصیف آنها می‌نماید به رابطه جدیدی میان این موضوعات و مضامین، پی می‌برد و از زاویه‌ای دیگر به آنها می‌نگرد؛ آن‌گونه که گویی، شاعر از پدیده جدیدی سخن می‌گوید «خاقانی در تصویرسازی‌های رنگارنگ خود، شعر را به تمام و کمال تجلی‌گاه فن و بیان کرده و از این حیث میدان سخن او برای بیان هیچ نوع مضمونی در تنگنا نبوده است. وی نه تنها از استعاره و گونه‌های آن، بلکه از دیگر مقولات بیان از جمله تشبیه‌های زیبا و غریب به فراوانی استفاده کرده است (نظری، ۱۳۸۵: ۲۴۲). تنوع تصاویر و توصیفات مکرر به یکی از عوامل تأثیرگذار در زیبایی شعر وی تبدیل شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی شعر خاقانی، بخصوص درباره‌ی وصف و تصویرگری و همچنین تأثیرپذیری این شاعر گرانمایه، از آیات قرآن و احادیث، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، از جمله: «توصیف‌های تکراری و زیبایی آن در شعر خاقانی» (جلیل نظری)، «نقد وصف و جایگاه زیبایی‌شناختی آن در شعر خاقانی» (محسن ذوالفقاری - مهدی دهرامی)، «تصویرسازی خاقانی با آلات موسیقی» (مجتبی دماوندی)، «نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی» (سیده زهرا موسوی - محسن ذوالفقاری). اما با توجه به این که در زمینه ساختار تصویری -

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبانی قصیده‌های خاقانی برای بیان یک مضمون، مانند "لا إله إلا الله"، تحقیقی صورت نگرفته است، انجام این پژوهش، برای شناختن بیشتر شعر و همچنین باورداشت‌های مذهبی خاقانی، ضروری به نظر می‌رسد.

۲- "لا إله إلا الله"

عبارت توحیدی و شهادتی "لا إله إلا الله" سمبلی است قراردادی که در ادبیات عرفانی فارسی به صورت چشم‌گیری به کار رفته است. این عبارت، حکایت از روح خداجو و یکتاپرست شاعران ایرانی دارد. "لا" در این عبارت، نفی کننده تمام خدایان دروغین، فنای ارادی خویشتن و فراموش نمودن همه علاقه‌مندی‌ها و تعینات مادی و خاکی است. «لا و الا برگرفته از عبارت شهادت؛ یعنی لا إله إلا الله است که صوفیان و عارفان، تفسیر خاصی برای آن دارند. لا، نفی خود و نفی ماسوی الله است، و الا که عبارت شهادت کنار کلمه‌ی الله می‌آید، وصال حق و رسیدن به وحدانیت حق را بیان می‌کند.» (استعلامی، ۱۳۸۷: ۹۶۲). قبل از خاقانی، سنایی غزنوی، یکی از شاعران قصیده‌گو و مثنوی‌سرای زبان فارسی که در سده ششم هجری می‌زیسته، عبارت "لا إله إلا الله"، را در شعر خویش به کار برده است. سنایی، این عبارت را به نهنگی تشبیه کرده است که همه هستی مجازی و فانی را به کام خویش فرو می‌بلعد و یا بسان جارویی می‌داند که راه شهادت گفتن و رسیدن به یکتایی خداوند را از هرگونه تعلق و تعینی پاک می‌سازد، آن هنگامی که فرد از وجود مجازی خویش بگذرد و با مرگ ارادی‌ای که در ظاهر باعث فانی شدن وی می‌شود، به مرحله حیرت و سرگردانی می‌رسد، یگانگی خداوند بزرگ، برای او اثبات می‌شود به هستی واقعی که همان خداوند یکتا است، خواهد رسید.

شهادت گفتن آن باشد که هم ز اول در آشامی همه دریای هستی را بدان حرف نهنگ آسا

نیابی خار و خاشاکی در این ره چو به فراشی کمر بست و به فرق استاد در حرف شهادت لا

چو لا از حد انسانی فکندت در ره حیرت پس از نور الوهیت بالله آی از آلا

ز راه دین توان آمد به صحرای نیاز ورنه به معنی کی رسد مردم، گذر ناکرده بر اسما (سنایی غزنوی، ۱۳۶۴: ۵۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

علاوه بر خاقانی و سنایی، شاعر و عارف بزرگ، مولانا جلال الدین محمد بلخی، نیز این عبارت را در شعر خود آورده و با کمک آن، نفی ماسوی الله را به تصویر کشیده است. وی با کمک این عبارت، بیان می‌دارد که عارف و خداجویان راستین، باید آن‌گونه وجود مجازی خویش را به فراموشی بسپارند که هیچ اثری از آن باقی نماند، در این هنگام است که می‌تواند ادعا کند که خداوند بزرگ را به درستی، شناخته است.

دل و جان، فانی لا کن، تن خود همچو قبا کن نه اثر گو نه خبر گو نه نشانی نه علامت

(مولوی، ۱۳۷۲، ۱۹۱)

مولوی در جایی دیگر گفته است که تنها این انسان‌ها نیستند که حمد و ستایش خالق خویش را بر زبان می‌رانند؛ بلکه همه اجزای هستی، پیوسته در حال ذکر گفتن و ستایش یکتایی خداوند هستند.

چو آفتاب برآمد ز قعر آب سیاه ز ذره ذره شـنو لا الهـه لا الله

(همان: ۸۹۵)

لا چو لایان زده بر عاشقانش دست رد غیرت الا شده بر مغز لا کوفته

(همان: ۸۸۲)

خاقانی، برای بیان زیبا و هنری مفاهیم و مضامین مورد نظر خود و همچنین تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، به ترفندهای زیادی دست زده و از ابزارهای بیانی، بدیعی و ... برای توصیف و تصویرگری در شعر استفاده نموده است تا جایی که می‌توان ادعا کرد که وصف، در دیوان اشعار وی، مسلط‌ترین، عنصر شعری به شمار می‌رود؛ اما به خاطر خلاقیت و استعداد بی‌نظیر سراینده در تصویرگری و توصیف، تکراری بودن مطالب و مفاهیم وصف‌های وی در پس حجاب ابزارهای بیانی و بدیعی پنهان می‌ماند. اینک برای اثبات این ادعا، ساختار زبانی - تصویری قصاید وی برای بیان عبارت یکتا پرستانه‌ی "لا إله إلا الله"، مورد بررسی می‌گیرد؛ تا مشخص شود که این نگارگری‌های متنوع برای بیان یک عبارت تکراری تا چه اندازه زیبا بوده و شاعر تا چه اندازه در بیان مفهوم مورد نظر خویش موفق بوده است.

۳- تشبیه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از جمله صورت‌های خیالی که خاقانی برای توصیف و تصویرگری در قصیده‌های خود و همچنین برای بیان مضمون "لا إله إلا الله" در شعر خود از آن بهره برده، تشبیه است. درباره اهمیت همانندسازی در توصیف‌های شعری، این-گونه آورده‌اند: «در وصف، هیچ‌یک از صورخیال نمی‌تواند به اندازه‌ی تشبیه مورد استفاده قرار بگیرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳۸۸). خاقانی به تأثیرگذاری تشبیه در پویایی و تحرک بخشیدن به توصیف و تصویرهای شعری، به خوبی آگاه بوده و در شعر خود، بسیار از آن استفاده نموده است. با اندک درنگی در دیوان شعری وی، می‌توان انواع مختلف تشبیهات را ملاحظه کرد که بسیاری از آنها، تازه، ناب و حاصل نگاه دقیق و ژرف‌بین شاعر به پدیده‌های مختلف هستی است.

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا لا در چهار بالش وحدت کشد ترا

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۳)

"پنج نوبت"، کنایه‌ای است از گونه‌ی ایما، که برای نشان دادن فرمان‌روایی و پادشاهی داشتن، به کار رفته است؛ زیرا "پنج نوبت" نوعی ساز بوده که در روزگاران گذشته، هنگام برپا شدن نمازهای پنج‌گانه بر دربار و درگاه پادشاهان نواخته می‌شده است. با توجه به تأثیر زیادی که ایمان و اقرار قلبی به عبارت "لا إله إلا الله" در زندگی افراد می‌تواند داشته باشد، خاقانی، قدرتی فرمانرواگونه برای آن عبارت در نظر گرفته است. وی "پنج نوبت کوفتن در دارملک لا" را نشانی برای قدرت معنوی عارفان راستین و مردان حق می‌داند. در این بیت، "دارملک لا"، دارای آرایه تشبیه از نوع بلیغ، آن است. کلمه "لا" که رمزی است برای رهایی از وجود مادی و مجازی و مرگ ارادی و فنای عارفانه در وجود حضرت دوست است، به سرزمینی مانند شده که خداجویان واقعی و مردان حق، پس از رستن از هستی فانی و رسیدن به پایتخت و مرکز حکومت "لا" که همان یگانگی خداوند است در آن سرزمین به آرامش خواهند رسید و بر آن فرمان خواهند راند.

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق از تیه لا به منزل آلا الله اندرآ

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۴)

خاقانی، "تیه لا" و "منزل آلا" را به صورت تشبیه بلیغ به کار برده است. شاعر، به کمک ابزارهای بیانی، دشوار بودن فنای عارفانه و فراموشی هستی فانی و خاکی را مانند عبور از بیابانی هراس‌انگیز می‌داند که تنها با راهنمایی و ارشاد و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دست‌گیری پیر و مرشد عشق، می‌توان به سلامت از آن گذر نمود و به "منزل آلا" که همان سرمنزله یکتایی خداوند و قرارگاه آرامش و امنیت است، رسید.

دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی که رخت نفکنسی آلا به منزل الا

(همان، ۹)

شاعر "الا" را رمزی برای اثبات یگانگی خداوند می‌داند. الا، بسان منزلی است که عارف هنگامی که در پی "لا" برود و همه تعلقات و تعینات را به فراموشی بسپارد به "منزل الا" می‌رسد که همان جایگاه اثبات یگانگی خداوند و رد همه "من" های دروغین و وجودهای مجازی است. سالک زمانی که در این منزل رخت اقامت می‌افکند، آرامش و امنیت واقعی را درک می‌کند.

۴- استعاره

خاقانی همچنین از نقش مهم استعاره، برای زیباسازی و بیان هنری‌تر شعر به خوبی مطلع بوده است. کمتر شعری در دیوان وی یافت می‌شود که از این صورت خیالی در آن استفاده نشده باشد. بیشتر استعاره‌هایی که وی به کار برده است، تازه، ناب و حاصل نگاه دقیق و تازه شاعر به طبیعت و پدیده‌های پیرامونش است. این استعاره‌های بدیع، خواننده را به تلاش ذهنی وامی‌دارد تا به کنه مطلب پی ببرد. شاعر برای بیان دقیق و زیباتر مضمون "لا إله إلا الله" و پویایی تصویرهای خود استعاره‌های مختلفی نیز به کار گرفته است.

در این بیت، "پنج نوبت لا" دارای استعاره مکنیه است. "لا" که نوعی رمز برای مرگ ارادی و فنای خویشتن است، در ذهن شاعر، به صورت سرزمینی تصور شده است که با رها کردن دنیای مادی و تمام وابستگی‌های مجازی، می‌توان فرمانروای واقعی آن شد.

خاقانی همچنین با استفاده از استعاره کنایی حرف "لا" را مانند انسانی می‌داند که شایسته پیروی کردن است و برای رسیدن به منزلگاه اصلی که همان "منزل الا" و قرارگاه توحید و تنها سرمنزله‌ای که آرامش در آن یافت می‌شود، باید شتابان در پی او شتافت. شاعر در این بیت، "لا" را به صورت جناس تام به کار برده است، "الا"ی اول ادات استثناس و "الا"ی دوم اثبات یکتایی خداوند.

گر در سموم بادیه لا تبه شوی آرد نسیم کعبه‌ی الا اللهت شفا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان: ۱۶)

شاعر حرف "لا" و نفی وجودهای مجازی و منهای عاریتی افراد را به بیابانی خشک، بی آب و علف و گمراه کننده تشبیه کرده است که اگر عارف و خداجو در میان مشکلات آن گرفتار شود، اگرچه در ظاهر آزار دهنده، ناخوشایند و حتی باعث نابودی آدمی است؛ اما در نهایت به رهایی از همه آن سختی‌ها و وصال حق منتهی می‌شود. شاعر همچنین به کمک تقابل میان واژه‌های "نسیم" و "سموم" به پویایی تصویرسازی خود کمک کرده است. خاقانی در غالب تصویرهای خود، هنگامی که در مورد "لا" و فراموشی همه وجودهای مجازی و نفی ماسوی‌الله سخن می‌گوید؛ واژه-هایی با بار معنایی منفی استفاده می‌کند؛ ولی آن زمانی که می‌خواهد یگانگی یزدان پاک را بیان کند، صفت‌هایی با بار معنایی مثبت به کار می‌برد. این گونه دقت در انتخاب صفت‌ها و اسم‌هایی که برای لا و الا استفاده کرده است نشان از اهمیت فوق‌العاده‌ی این موضوع برای وی دارد.

ندای هاتف غییی ز چار گوشه‌ی عرش صدای کوس الهی به پنج نوبه‌ی لا

(همان: ۲۹)

ز چار ارکان برگرد و پنج ارکان جوی که هست فایده زین پنج، پنج نوبت لا

(همان: ۱۳)

"پنج ارکان" استعاره مصرحه از پنج نماز روزانه است. "چار ارکان" نیز استعاره مصرحه از چهار عنصری است که اساس دنیا بر آنها قرار گرفته است. "پنج نوبت لا" نیز به کمک استعاره کنایی به سرزمینی مانند شده است که با رد هر چیزی جز باری تعالی و فنای عارفانه می‌توان حاکم و فرمانروای آن شد.

در کنف فقر بین سوختگان خام‌پوش بر شجر لا نگر، مرغ دلان خوش نوا

(همان: ۳۶)

در بیت بالا، فقر با یاری استعاره مکنیه، به انسانی بزرگ و توانا مانند شده است که می‌تواند مردان حق و عارفان راستین را در پناه خویش جای دهد. "سوختگان خام‌پوش" نیز کنایه‌ای از گونه‌ی ایما است، برای درویشان بی‌اعتنا به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دنیا که در پناه فقر روزگار خویش را سپری می‌کنند. شاعر، به کمک ایهام تضاد میان دو واژه "خام" به معنی چرم دباغی نشده لباس صوفیان و "سوخته" به معنی درویشان واقعی، وضع و حال عارفان و صوفیان راستین را به خوبی توصیف کرده است.

۵- تکرار

یکی از مهمترین راه‌های زیباسازی و برجسته کردن شعر، تکرار است. تکرار علاوه بر ایجاد موسیقی و گوشنواز بودن، به شاعر نیز کمک می‌کند تا بر روی مفهوم و معنی مورد نظر خود نیز تأکید کند و آن را برجسته‌تر سازد «تکرار در زیباشناسی هنر از مسائل اساسی است. کورسوی ستاره‌ها، بال زدن پرندگان، به سبب تناوب و تکرار است که زیباست. صداهای غیر موسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح می‌دانند، حال آنکه صدای قطرات باران که متواً تکرار می‌شود، آرام‌بخش است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۹). تکرار در شعر، به گونه‌های مختلفی رخ می‌دهد؛ تکرار واک، واژه، جمله، مصراع و ... در شعر نو، بیشتر به صورت تکرار مصرع صورت می‌گیرد که شاعر، معمولاً مصراع اول شعر را در آخر آن نیز می‌آورد. در دیوان اشعار خاقانی، تکرار مضمون، تصویر، واج، واژه و ... به طور چشمگیری صورت گرفته است. برای روشن‌تر شدن این مطلب، ساختار زبانی و تصویری حاصل از تکرار واج و واژه عبارت "لا إله إلا الله"، در قصاید وی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا زیبایی حاصل از تکرار تصویر در شعر، برای بیان یک مفهوم به خوبی روشن‌تر شود.

۵-۱. تکرار واژه

تکرار یک واژه در سطح شعر، علاوه بر اینکه ایجاد موسیقی می‌کند باعث می‌شود که مفهوم آن نیز در ذهن خواننده بهتر نقش ببندد و موضوع و عاطفه مورد نظر شاعر نیز راحت‌تر به خواننده منتقل شود.

خاقانی کلمه‌ی "لا" و ترکیب‌هایی را که با استفاده از آن ساخته، به طور گسترده در شعر خویش تکرار کرده است.

دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی که رخت نفکنی آلا به منزل الا

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۹)

بالا برآر نفس چلیپا پرست، از آنک عیسی توست نفس و صلیب است شکل لا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان، ۱۶)

تکرار واژه "لا" به صورت ردالعجز علی الصدر صورت گرفته است. آوردن این کلمه در اول و آخر بیت‌ها، علاوه بر ایجاد موسیقی، باعث تأکید بر روی مفهوم آن نیز می‌شود و تأثیر آن را دو چندان می‌کند. تکرار از ویژگی‌های بارز شعر خاقانی است «یکی از ویژگی‌های توصیفات او تکرار است و برخی توصیفات در شعر او بسامد زیادی یافته است» (ذوالفقاری و دهرامی، ۱۳۸۹: ۴۲).

ای پــــنـج نوبــــه کوفــــه در دار مــــلک لا لا در چهار بالش وحدت کشد ترا
(همان: ۳)

۲-۵. آوامعنایی

یکی دیگر از انواع تکرار که می‌توان گفت از هنری‌ترین و گیراترین انواع تکرار محسوب می‌شود، زمانی است که شاعر با یاری صداهای حاصل از تکرار واژه‌ها و واج‌ها در یک مصراع یا بیت شعر، معنی، مقصود و عاطفه خویش را به خواننده القا می‌کند که در اصطلاح به آن "آوامعنایی" گفته می‌شود. (رک: راستگو، ۱۳۸۲: ۲۰) این نوع صدا معنایی نیز در شعر خاقانی دارای بسامد بالایی است. شاعر برای تصویرگری و تداعی بهتر مضمون "لا إله إلا الله" در ذهن خواننده از این نوع تکرار سود جست که هنری‌ترین نوع تکرار است «باید گفت بهره‌گیری شاعران از این آرایه هنگامی مطلوب خواهد بود که این کاربرد با فضا و ساختار بیت یا سروده هماهنگ باشد و شاعر به قدری طبیعی از آن بهره گرفته باشد که خواننده را تحت تأثیر زیبایی سروده قرار دهد؛ نه اینکه او را دلزده کند» (کرمی و حسام‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

هنگامی که این بیت خوانده می‌شود، صداهای حاصل از تکرار واج‌های "ل" و "ا"، تداعی کننده ذکر "لا إله إلا الله" برای شنونده است.

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق از تیه لا به منزل أَلَا اللهُ اندرآ

(همان: ۳)

در بیت زیر، از تکرار واج‌های "ه"، "ل" و "ا" صدایی به گوش می‌رسد که گویی شخصی، ذکر "شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ" را زمزمه می‌کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از لا رسی به صدر شهادت که عقل را از لا و هوسست مرکب لاهوت زیران

(همان: ۳۱۰)

۶- حرف گرایی

گاه شاعران، شکل ظاهری و شیوه خاص نوشتن حروف الفبا را دست‌مایه‌ای برای تصویرسازی‌های هنری خود قرار می‌دهند. در ادبیات فارسی، قدهای بلند را به حرف "الف"، قامت‌های خمیده را به حروف "نون" یا "د"، زلف بناگوش معشوق را به حرف "جیم" و خال او را به "نقطه‌ی جیم"، تشبیه می‌کنند.

نیست بر لوح دلم جز "الف" قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

(حافظ، ۱۳۷۷: ۲۰۶)

قَدْ هَمَّه دلبـِـران عـالـم پیش "الف" قـدت چـو "نـون" بـاد

(همان: ۷۳)

در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست؟ نقطه‌ی دوده که در حلقه‌ی جیم افتاده است

(همان: ۲۸)

خاقانی نیز از شکل ظاهری حرف "لا" و طرز نوشتن خاص آن، برای ساختن تصویرهای شعری و بیان دقیق‌تر مقصود و مفهوم مورد نظر خویش کمک گرفته‌است.

از گه عهد السـت، چـیره زبـان در بـلی پیش در لا الهـ، بـسته میـان همـچـولا

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۳۶)

در باره عهد اَلْسَتْ این‌گونه آمده است: «این تعبیر از آیه ۱۷۲ سوره اعراف مأخوذ است؛ بدین مضمون که پیش از خلقت بشر، خداوند هرچه از نسل آدم فرزند خواست بودن تا رستخیز، همه را به صورت ذراتی از پشت آدم بیرون

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آورد و خطاب به آنها گفت: " أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا "؛ و به این ترتیب، آنها به خداوندی خدا گواهی دادند و از آن پس به صورت اول به پشت آدم بازگردانیده شدند « (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۰۰).

ذهن خلاق شاعر در این بیت، حرف "لا" را مانند غلامی کمر بسته و آماده‌ی خدمت می‌بیند، که بر درگاه عبارت " لا إله إلا الله " ایستاده است. شاعر بیان می‌کند که عارفان وارسته و بندگان مخلص خداوند، در عهد اَلَسْتُ، مانند شکل ظاهری حرف "لا" که گویی برده‌ای کمر بسته است، بنده‌وار ایستاده و به یکتایی خداوند گواهی داده‌اند. خاقانی در این بیت توانسته، شیوه ایستادن عارفان و بندگان راستین در عهد الست و مطیع بودن آنان در مقابل دادار بی‌همتا را به زیبایی هرچه تمام‌تر، بسان یک تابلوی نقاشی در مقابل دیدگان خواننده شعر، به تصویر بکشد.

در بیت بعدی نیز، خاقانی به شکل ظاهری حرف "لا" توجه نموده است. شیوه نوشتن "لا" در ذهن پویای شاعر، مانند دندان‌های کلید و یا دهان اژدهایی خشمگین است که جز خدای یکتا، همه چیز را می‌بلعد. وی همچنین دین را مانند پادشاهی می‌داند که در کاخ فرمانروایی خویش نشسته است و هرگاه کسی بخواهد به دیدار او برود باید از پرده‌دار حرم وی که همان حرف "لا" و نفی ماسوی الله است، بگذرد. در این بیت، منظور از گذشتن از حاجب لا، ترک وابستگی‌های دنیایی برای رسیدن به عالم غیب و ایمان قلبی است. وی، علاوه بر تشبیه شکل ظاهری "لا" به کام اژدها، به این باور پیشینیان نیز اشاره دارد که در خرابه‌ها گنجی وجود دارد که ماری بر روی آن خوابیده است و از آن نگهبانی می‌کند تا از دستبرد اغیار در امان بماند. دین نیز گنجینه‌ی مهمی است که برای دستیابی به آن باید از سد اژدهای تعینات دنیوی و خودبینی گذشت تا به آن دست یافت و از آن بهره‌مند شد.

بی حاجبی لا به در دین مرو که هست دین گنج خانه حق و لا شکل اژدها

(همان: ۳)

لا زان شد اژدهای دو سر تا فرو خورد هر شرک و شک که در ره آلا شود عیان

(همان، ۳۱۰)

شاعر حرف "لا" یا همان نفی ماسوی الله و گذشتن از همه هستی و وجودهای مجازی را بسان کلیدی می‌داند که با آن می‌توان به بهشت جاودانی وارد شد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دروازه‌ی سرای ازل دان سه حرف عشق دندان‌های کلید ابد دان دو حرف لا

(همان: ۳)

بالا برآر نفس چلیپا پرست، از آنک عیسی توست نفس و صلیب است شکل لا

(همان: ۱۶)

اطلاعات فراوان خاقانی درباره‌ی دین مسیحی، باعث شده است که آیین‌ها، آداب و رسوم و معتقدات مسیحیان دست-مایه‌ای برای مضمون‌سازی شاعر قرار بگیرد. این دانسته‌ها، به صورت آرایه‌های بیانی و بدیعی نابی برای تصویرسازی در شعر وی مورد استفاده قرار گرفته است. این بیت، تلمیحی دارد به داستان حضرت مسیح و به صلیب کشیده شدن وی. شاعر، در اینجا نیز به شکل ظاهری حرف "لا" توجه نموده است و آن را مانند صلیبی می‌داند که حضرت عیسی (ع)، با آن به صلیب آویخته شد. وی می‌گوید همان‌گونه که حضرت مسیح (ع) با مصلوب شدن به آسمان عروج کرد، باید به وسیله حرف "لا" یا نفی ماسوی الله، بت نفس را از بین برد تا به خداشناسی واقعی رسید. شاعر توانسته با کمک گرفتن از عناصر مربوط به دین مسیحی و ماجرای به دار آویخته شدن حضرت عیسی (ع)، فنای منیت و مرگ ارادی فرد را به خوبی به تصویر بکشد.

۷- ترکیب‌سازی

خاقانی، علاوه بر شناخت قابلیت بالای ابزارهای بیانی و بدیعی، به توانمندی زبان فارسی، برای ترکیب‌سازی نیز به خوبی آگاه بوده است. ترکیب‌سازی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «زبان فارسی از زبان‌های دسته‌ی غربی زبان‌های هند و ایرانی، از گروه زبان‌های هند و اروپایی و زبانی ترکیبی است. مراد از این ترکیبی این است که می‌توان از پیوستن واژه‌های زبان به یکدیگر، یا افزودن پیشوند و پسوندها بدان‌ها برای بیان معانی و مفاهیم تازه بهره گرفت و بدین گونه هزارها واژه تازه با معانی تازه ساخت» (مقربی، ۱۳۷۲: ۶). با اندک درنگی در دیوان اشعار وی به وضوح می‌توان، استعداد شگرف وی در گزینش درست واژه‌ها، ترکیب‌سازی و تعامل کلمه‌های مختلف بیت‌ها با یکدیگر را مشاهده کرد. وی با ژرف‌نگری که خاص خود اوست، میان پدیده‌های مختلف ارتباط هنری برقرار می‌کند، به مضامین، تعبیرات و ترکیب‌هایی دست پیدا می‌کند که شاید کمتر شاعری توانسته باشد آن را دریابد. «شیوه بیان خاقانی بر پدید آمدن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرات تازه مبتنی است. دقت در توصیف که موجب تشبیه‌های غریب و تعبیرهای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بی سابقه است و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب ابداع معانی و صنایع بدیع می شود از مزایای طرز اوست» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۰). گرچه وی مانند اغلب بزرگان ادب فارسی بسیاری از واژه ها، ترکیب ها، مفاهیم و مضامین شعرهای خود را مرهون قرآن کریم است؛ اما باید گفت که وی تنها به تقلید و تأثیر پذیری صرف، اکتفا نکرده است؛ بلکه آنها را در قالب زبان خود ریخته و ویژگی های سبکی مخصوص خود را به آن بخشیده است. با کمک این واژه و مضمون ها، به ترکیب هایی دست یافته است، که با ساختار اصلی آن واژه در قرآن مجید، متفاوت است. ترکیب های که خاقانی با استفاده از عبارت توحیدی "لا إله الا الله" آفریده، بیشتر از نوع ترکیبات اضافی هستند. شاعر یک یا دو واژه یا گاهی حتی مفهوم این عبارت را گرفته و با کمک آن ترکیب هایی زیبا و ناب آفریده است. ترکیبات اضافی چون (دارملک لا، در لا، صدر الا، شجر لا، حاجب لا، بادیه لا) که در بیت های زیر آورده می شود.

چون رسیدی بر در لا، صدر الا جوی از آنک کعبه را هم دید باید چون رسیدی در منا

(همان: ۲)

گر در سموم بادیه لا تبه شوی آرد نسیم کعبه الا اللهت شفا

(همان: ۱۶)

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا لا در چهار بالش وحدت کشد ترا

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۳)

شاعر در این بیت، به کمک اسناد مجازی "لا" را نهاد جمله قرار داده است و در عرصه خیال خویش هیأتی آدمی - گونه برای آن در نظر گرفته است.

در کنف فقر بین سوختگان خام پوش بر شجر لا، نگر مرغ دلان خوش نوا

(همان: ۳۶)

بی حاجبی لا به در دین مرو که هست دین گنج خانه حق و لا شکل ازدها

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان: ۳)

یکی دیگر از ویژگی‌های عمده توصیف و تصویرسازی‌های وی، براساس این عبارت توحیدی، فعل‌های مناسبی است که برگزیده است. «می‌توان پویایی یا ایستایی تشبیهات را براساس فعل موجود در کلام، که بیش و کم در ساختمان تصویر سهمی دارد بررسی کرد و دریافت که هر فعل در نمایش ایستایی یا پویایی تصویری که همراه دارد، چگونه تأثیری به جای می‌نهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۵۵). بیشتر فعل‌هایی که وی انتخاب کرده، به گونه‌ای است که به انسجام و پویایی تصاویر کمک کرده، بار معنایی آن را افزایش داده است.

هرچه جز نورالسموات از خدای آن عزل کن
گر تو را مشکوه دل روشن شد از مصباح لا

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱)

در این بیت، نفی هر گونه صفت از خداوند، جز نور السماوات، تنها به یاری فعل مناسبی چون عزل کردن، می‌تواند بیان شود، این حسن انتخاب، بر پویایی تصویر افزوده است.

چون رسیدی بر در لا صدر الا جوی از آنک
کعبه را هم دید باید چون رسیدی در منا

(همان: ۲)

شاعر، به کمک فعل رسیدن، "لا" را مانند دروازه ورودی به تصویر کشیده است که پس از رسیدن به آن، نباید در آنجا توقف کرد؛ بلکه باید از آن عبور کرد و به دنبال مقصد بالاتر رفت.

در کنف فقر بین سوختگان خام‌پوش
برشجر لا نگر مرغ دلان خوش نوا

(همان: ۳۶)

خاقانی، با انتخاب مناسب فعل "بین" و "بنگر"، برای این بیت، به پویایی تصویر افزوده است؛ تا آنجا که گویی یک تابلوی نقاشی را ترسیم کرده است و از کسی می‌خواهد که به آن بنگرد.

۸- نتیجه‌گیری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی از مضمون‌های اساسی که در ادبیات فارسی، حمد و ستایش خداوند و توصیف یگانگی خالق هستی است. خاقانی از این مفهوم و همچنین عبارت توحیدی و شهادتی "لا إله إلا الله" بسیار بهره‌گرفته و شعر خویش را به آن مزین کرده است. از آنجایی که یکی از ویژگی‌های عمده‌ی شعر وی وصف بوده، توانسته با یاری گرفتن از ابزارهای بیانی و بدیعی چون تشبیه، استعاره و تکرار، برای بیان این موضوع نیز به تصویرسازی پرداخته و آن را به شکل‌های مختلفی بیان کرده‌است؛ اما با وجود تکراری بودن مفهوم، تصاویری که برای بیان این مطلب ارائه نموده‌است، بسیار متنوع، حاصل نوآوری و نگاه دقیق و موشکافانه‌ی شاعر به پدیده‌ها و محیط پیرامونش است. علاوه بر محتوا، شکل ظاهری و شیوه خاص نوشتن عبارت "لا إله إلا الله" نیز مورد توجه خاقانی قرار گرفته و در آفرینش صورت‌های خیالی به وی بسیار کمک کرده‌است، شاعر برای پویایی بیشتر نگارگری‌های خود و به تلاش ذهنی واداشتن خواننده، با استفاده از تشبیه و جان‌بخشی واژه "لا" را به صورت انسانی می‌بیند که بر درگاه این عبارت توحیدی به پاسداری گماشته‌شده‌است و برای درک یکتایی خداوند و نفی ماسوی الله باید از آن عبور کرد. خاقانی ترکیب‌های زیادی نیز براساس این عبارت توحیدی ساخته است که عمده‌ی آنها از نوع ترکیبات اضافی است.

منابع

- قرآن کریم
- استعلامی، محمد (۱۳۸۷)، *نقد و شرح قصاید خاقانی براساس تقریرات استاد فروزانفر*، تهران: زوآر.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۷۷)، *دیوان*، براساس نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران: دوران.
- خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۷۳)، *دیوان*، مقدمه و تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران: زوآر
- راستگو، سید محمد (۱۳۸۲)، *هنر سخن آرای (فن بدیع)*، تهران: سمت.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی*، شیراز: نوید شیراز.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *دیدار با کعبه جان (درباره زندگی، آثار و اندیشه خاقانی)*، تهران: سخن.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۶۲)، *دیوان*، با مقدمه و حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: کتابخانه سنایی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- فتوحی رودممعجنی، محمود (۱۳۸۹)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- مقربی، مصطفی (۱۳۷۲)، ترکیب در زبان فارسی، تهران: توس.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۲)، کلیات شمس تبریزی، تهران: نگاه و نشر علم.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات داستانی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سروش.
- ذوالفقاری، محسن و مهدی دهرامی (۱۳۸۹)، نقد وصف و جایگاه زیبایی‌شناختی آن در شعر خاقانی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۳۷-۵۶.
- کرمی، محمدحسین و شعیب حسام‌پور (۱۳۸۳)، واج‌آرایی و تکرار در شعر خاقانی، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره سوم، صص ۱۶۱-۱۳۷.
- نظری، جلیل (۱۳۸۵)، توصیف‌های تکراری و زیبایی آن در شعر خاقانی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۹ (پیاپی ۱۳)، صص ۲۷۱-۲۳۵.